



عربستان به ارتباط اسرائیل با شبکه‌های جاسوسی در لبنان کمک کرد

لبنان به مکان امنی برای ماموران اطلاعاتی و عملیاتی آمریکا، اتحادیه اروپا، اسرائیل، اردن و عربستان سعودی تبدیل شده است. هدف آنها مقابله و از بین بردن حزب الله و ائتلاف آن است.

لبنان به مکان امنی برای ماموران اطلاعاتی و عملیاتی آمریکا، اتحادیه اروپا، اسرائیل، اردن و عربستان سعودی تبدیل شده است. هدف آنها مقابله و از بین بردن حزب الله و ائتلاف آن است.

به گزارش فارس، پایگاه تحلیلی "گلوبال ریسرچ" در تحلیلی با عنوان "جنگ بعدی آمریکا: سوریه یا لبنان؟ جنگ آمریکا علیه بلوک مقاومت" می‌نویسد: واشنگتن و متحدانش یعنی اسرائیل و سعودی‌ها از قیام‌های رخ داده در جهان عرب سود برده‌اند. آنها اکنون در حال انجام اقداماتی برای از بین بردن بلوک مقاومت و تضعیف هرگونه انگیزه برای ایجاد دموکراسی در جهان عرب هستند. صفحه شطرنج ژئوپولیتیک اکنون آماده رویارویی گسترده تری است که تهران را نشانه رفته و شامل سوریه، لبنان، عراق و فلسطینیان می‌شود.

* بان کی‌مون دستورات خود را از واشنگتن دریافت می‌کند

شورای امنیت سازمان ملل و چندین سازمان دیگر وابسته به این سازمان همگی از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا برای فشار بر لبنان استفاده می‌شوند. بان کی‌مون، دبیر کل سازمان ملل دستورات خود را از واشنگتن دریافت می‌کند. وی به مشروعیت بخشیدن جنگ‌های آمریکا و ناتو کمک کرده است. مسکو به طور علنی بان کی‌مون را به دلیل تعاملات سال 2008 مخفیانه اش با ناتو به خیانت متهم کرده است.

در چنین شرایطی است که سازمان ملل به عنوان ابزاری برای تلاش‌های دسیسه آمیز برای جهانی کردن تسلیحات تحت اختیار مقاومت لبنان برای خلع سلاح آن استفاده می‌شود. برغم این حقیقت که قطعنامه 1559 سازمان ملل اعتبار خود را از دست داده است اما ترجمه رود-لارسن، نماینده ویژه برای اجرای آن هنوز فعال است و گزارشاتی را علیه حزب الله صادر می‌کند.

فرستاده‌های سازمان ملل به لبنان تداعی کننده شخصیت‌های استعماری هستند که احکامی غیرمردمی در بیروت صادر و به عنوان عاملان واشنگتن، بروکسل و تل آویو عمل می‌کنند. دادگاه ویژه لبنان که بخش مستقلی در وزارت خارجه آمریکا به آن اختصاص داده شده است نیز ابزار سیاسی قوی است که واشنگتن قصد استفاده از آن را علیه لبنان و سوریه دارد.

* دادگاه بین المللی به جای قتل حریری به پیگیری ترور هزاران لبنانی بپردازد

یک دادگاه بین المللی نیز برای پیگیری پرونده ترور رفیق حریری تشکیل شد. حریری در زمان قتلش هیچ پست دولتی نداشت اما یک دادگاه بین المللی تنها برای پیگیری مسائل مربوط به ترورش تشکیل شده است. به عبارت دیگر جامعه به اصطلاح بین المللی هیچ علاقه ای نسبت به تشکیل چنین دادگاهی برای پیگیری ترور هزاران لبنانی دیگر ندارد.

نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در لبنان نیز در تجاوزهای اسرائیل به لبنان دست دارند. حتی آژانس کار و امداد سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک نیز تحت نفوذ مقاماتی قرار گرفته است که از جنایات اسرائیل علیه فلسطینیان و لبنانی‌ها حمایت می‌کنند. این مسئله در مصاحبه 15 ماه مه کریستوفر گونس، سخنگوی آژانس کار و امداد سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک با ارتش اسرائیل اعلام شد. در حالی که وزارت دفاع اسرائیل روز نکت 2011 به سوی تظاهرکنندگان غیرنظامی و غیرمسلح تیراندازی کرد، گونس تأیید کرد که آژانس کار و امداد سازمان ملل در جهت منافع ملی اسرائیل فعالیت می‌کند و فلسطینیان را به انجام اقدامات تروریستی علیه اسرائیل محکوم می‌کند. حتی محاصره غزه توسط اسرائیل از سوی سخنگوی این آژانس توجیه شد.

فقدان کابینه در لبنان نیز به سعد حریری و جریان 14 مارس فرصت داد تا بتوانند در اداره امور این کشور دخالت کنند. این مسئله همچنین به دادگاه ویژه لبنان فرصت می‌دهد تا بدون به چالش کشیده شدن از سوی دولت لبنانی بیروت به اقدامات خود ادامه دهد. دولت جدید لبنان در این زمینه قطعاً مشروعیت این دادگاه را زیر سوال خواهد برد.

* نیروهای امنیت داخلی لبنان در اختیار خانواده حریری هستند

به علاوه، نیروهای امنیت داخلی لبنان نیز از سوی سعد حریری علیه حزب الله و مخالفان سیاسی خانواده حریری استفاده می‌شوند. این نیروها در انجام اقداماتی علیه حزب الله و کمک به ایجاد خشونت در سوریه نیز دست دارند و دستورات خود را مستقیماً از

به دلیل آزادی‌هایی که به سعد حریری و یارانش (بیشتر به خاطر فقدان کابینه کارآمد در لبنان) داده شده، زیاد بارود، سرپرست وزارت کشور لبنان از امضای هرگونه اوراق مربوط به وزارتخانه اش سر باز می‌زند. بارود معتقد است که نیروهای امنیت داخلی لبنان به طور مخفیانه و بدون نظارت یا تایید وی عمل می‌کنند. در این زمینه نیروهای امنیت داخلی لبنان از انجام دستوراتی که توسط زیاد بارود برای بازرسی شریل النحاس، سرپرست وزارت مخابرات لبنان از این نیروها صادر شد، سرپیچی کردند. نیروهای امنیت داخلی لبنان به طور آشکاری تلاش دارند که عملیات‌های خود را مخفی کرده و از ورود النحاس و گروهش به مقر این نیروها جلوگیری کنند.

* لبنان مکانی امن برای جاسوسان آمریکایی، اروپایی، اسرائیلی، اردنی و سعودی است

همچنین بر کسی پوشیده نیست که لبنان به مکان امنی برای ماموران اطلاعاتی و عملیاتی آمریکا، اتحادیه اروپا، اسرائیل، اردن و عربستان سعودی تبدیل شده است. هدف آنها مقابله و از بین بردن حزب الله و ائتلاف آن است.

در سال 2006 در جریان بمباران لبنان توسط اسرائیل، تاکید اعضای اتحادیه اروپا بر جمع آوری اطلاعات علیه حزب الله متمرکز بود. سعودی‌ها به ایجاد ارتباط میان اسرائیل و شبکه‌های جاسوسی در لبنان کمک کردند. این مسئله با ارتباطات آشکار شیخ محمد علی حسین، روحانی که برای اسرائیل و سعودی‌ها کار می‌کرد، روشن شد.

همچنین حزب الله به تبدیل شدن به ابزار ایران متهم می‌شود. اخیراً حزب الله به همراه ایران در کمک به افزایش اعتراضات کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه در بحرین و بخش‌های شیعه نشین عربستان متهم شده است. در این زمینه، شهروندان لبنانی در بسیاری موارد بدون توجه به مذهبشان از سوی حکومت‌های خلیج فارس شناسایی شده و از این کشورها اخراج شده اند. این بخشی از توطئه قومیتی است که خواستار ایجاد اختلافات منطقه ای و تنفر است. این مسئله در لبنان از سوی سعد حریری برای هدف قرار دادن حزب الله و متحدانش استفاده می‌شود. حریری به صورت طعنه آمیزی ایران را به دخالت در بحرین متهم کرد و این در حالی است که این اتهامات درست در زمانی مطرح شد که ارتش عربستان سعودی برای حفظ قدرت آل خلیفه در این کشور وارد عمل شد.

پنج شیخ نشین حاشیه خلیج فارس اکنون به طور سیستماتیک از ورود اتباع لبنانی، سوری، عراقی، ایرانی و پاکستانی به خاک خود جلوگیری می‌کنند. کویت این مسئله را اینگونه توجیه کرده است که بی ثباتی سیاسی در این کشورها می‌تواند مشکلاتی را در کویت ایجاد کند.

* بی ثبات کردن سوریه با هدف کنترل سیاست خارجی دمشق

دمشق برای اجرای فرامین واشنگتن و اتحادیه اروپا تحت فشار بوده است. این بخشی از یک پروژه درازمدت است. تغییر رژیم و یا فرمانبرداری داوطلبانه حکومت سوریه از اهداف این پروژه است. این شامل تحت تسلط گرفتن سیاست خارجی سوریه، قطع ارتباط آن با متحد راهبردی ایران و قطع عضویت آن در بلوک مقاومت می‌شود.

* تلاش آمریکا و غرب برای فشار و ترساندن رهبران سوریه

سوریه از سوی تعدادی ثروتمندان قدرت طلب اداره می‌شود که رفتار خشونت آمیزی را با شهروندان خود داشته‌اند. در عین حال درگیری‌های خیابانی در سوریه پیچیده هستند و نمی‌توان از آنها به عنوان درخواست مردم برای آزادی و دموکراسی یاد کرد. آمریکا و اتحادیه اروپا تلاش کرده‌اند از این درگیری‌ها برای فشار و ترساندن رهبران سوریه استفاده کنند. عربستان سعودی، اسرائیل، اردن و جریان 14 مارس همگی در حمایت از شورش‌های مسلحانه در سوریه دست داشته‌اند.

سعودی‌ها نیز در محو هرگونه درخواست واقعی برای ایجاد اصلاحات دموکراتیک در سوریه دست داشته و تلاش کرده‌اند عناصر دموکراسی خواه مخالف لبنان را در جریان تظاهرات حاشیه نشین کنند. سعودی‌ها در این زمینه از گروه‌های قومیت گرا و عناصر تروریستی که پایه‌های شکیبایی مذهبی در سوریه را متزلزل می‌کنند، حمایت کرده‌اند. این عناصر اغلب از تندروهای سلفی مانند فتح الاسلام و جنبش‌های سیاسی تندروی جدیدی هستند که در مصر سازماندهی می‌شوند. آنها همچنین علیه علوی‌ها، دروزی‌ها و مسیحیان سوریه به مخالفت برخاسته‌اند.

خشونت در سوریه از سوی خارج از این کشور با هدف استفاده از تنش‌ها و خشم داخلی در این کشور حمایت می‌شود. علاوه بر برخورد خشونت‌بار ارتش سوریه، مطبوعات این کشور نیز بدین منظور استفاده شده‌اند. پول و تسلیحات نیز از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا، جریان 14 مارس، اردن و کشورهای حاشیه خلیج فارس به دست عناصر مخالف سوری رسیده است. در حالی که تسلیحات از طریق اردن و لبنان به سوریه قاچاق می‌شود، بودجه ای نیز برای عناصر غیرمردمی مخالف سوری که در خارج از این کشور زندگی می‌کنند، در نظر گرفته شده است.

حوادث سوریه همچنین به ایران وابسته است که متحد راهبردی درازمدت دمشق محسوب می‌شود. این نکته تصادفی نیست که سناتور لیبرمن خواستار حمله دولت اوباما و ناتو به سوریه و ایران مانند لیبی می‌شود. دستان ارتش و دولت سوریه اکنون از نظر داخلی بسته است زیرا یک تهاجم جدید و گسترده تر در حال آماده شدن برای هدف قرار دادن سوریه و ایران است.

* سوریه و میادین گازی موجود در شرق مدیترانه

سوریه در میانه دو کریدور مهم انرژی قرار دارد. اولین کریدور ترکیه و سواحل دریای خزر را به اسرائیل و دریای سرخ متصل کرده و دومی عراق را به مدیترانه وصل می‌کند. تسلیم شدن سوریه بدان معناست که واشنگتن و متحدانش کنترل این راههای انرژی را در اختیار می‌گیرند. این مسئله همچنین بدان معناست که میادین بزرگ گاز طبیعی در سواحل سوریه و لبنان در شرق مدیترانه برای چین غیرقابل دسترس شده و در عوض به اتحادیه اروپا، اسرائیل و آمریکا می‌رود.

میادین گازی شرق مدیترانه موضوع مذکرات میان اتحادیه اروپا، ایران، سوریه و لبنان بوده است. علاوه بر خط لوله باکو-تفلیس-جیحان، وجود این میادین گاز طبیعی نیز دلیلی برای کرمیلین در یافتن جای پای نظامی در سوریه است. این مسئله با به روز کردن تاسیسات دریایی دوران شوروی سابق در سوریه مشخص شد. علاوه بر این این ایران بود که با کمک به توسعه و اکتشاف این میادین گازی در سواحل بیروت و دمشق موافقت کرد.

* توافق فتح و حماس و صحبت از کشور فلسطینی برای کاهش فشارهای جهان عرب استفاده می‌شود

رابطه قوی میان جنگ در جنوب غرب آسیا و افزایش گفت‌وگوهای رسمی درباره تشکیل کشور فلسطینی وجود دارد. امیدواری برای ایجاد کشور فلسطینی دو بار برای کاهش فشارهای جهان عرب در دوران جنگ عراق استفاده شد. اولین بار جرج بوش پدر چنین اقدامی را انجام داد و بار دوم نیز این جرج دابلیو بوش بود که به خاطر صحبت‌های جدیدش از تشکیل یک کشور فلسطینی به عنوان اولین رئیس جمهوری آمریکا مورد تشویق قرار گرفت.

اوباما نیز برغم تزلزل در مواضعش اکنون درباره تشکیل کشور فلسطینی صحبت می‌کند. علاوه بر این، آشتی میان حماس و فتح در حالی انجام شده که شمارش معکوس برای به رسمیت شناخته شدن کشور فلسطینی از سوی سازمان ملل آغاز شده است. اسرائیلی‌ها نیز بودجه‌های بلوکه شده را به فلسطینیان داده اند، اقدامی که پیش از این انجام نمی‌شد.

آشتی میان فتح و حماس همچنین منجر به بسته شدن دستان حماس شده است. حماس باید مراقبت باشد تا در اداره فلسطین تحت اشغال اسرائیل به شریک کوچکتر تبدیل نشود. حماس باید اکنون موضع خود را در مشارکتش در تشکیل دولت اتحاد ملی به طور موثری تعدیل کند. به احتمال بسیار زیاد، تل آویو و واشنگتن خواستار در دست گرفتن قدرت عمده در دولت جدید فلسطین از سوی جریان فتح هستند.

* سه هدف آمریکا از بی ثبات کردن پاکستان

اعلام کشته شدن اسامه بن لادن از سوی نیروهای آمریکایی به روند بی ثبات سازی سیاسی پاکستان کمک کرده است. یک تلاش حساب شده برای معرفی کردن بن لادن به عنوان شخصیتی محبوب برای مسلمانان انجام شده است. این مسئله با نظر به حمایت از نظریه برخورد تمدنها انجام شد.

در عین حال دولت آمریکا در حال انجام یک جنگ رسانه ای علیه پاکستان است. اسلام آباد به عنوان کشوری به تصویر کشیده شده که به اسامه بن لادن و شبکه القاعده پناه داده است. در واقع هرگونه دستور برای تماس پاکستان با تروریستها مستقیماً از سوی واشنگتن صادر شده است. مسائل پیچیده تری در پس پرده قرار دارد اما آنچه در واقعیت رخ می‌دهد این است که پاکستان هدف نابودی قرار گرفته است.

نابودی و بی ثباتی پاکستان با سه هدف انجام می‌شود:

1. کمک به سناریوی جنگ علیه ایران: پاکستان تحت تهدید در اختیار گرفتن قدرت از سوی انقلابیون نزدیک به ایران و متحدانشان قرار نمی‌گیرد.
2. هدف قرار دادن منافع چین در پاکستان از جمله کریدور انرژی که از ایران آغاز شده و از طریق پاکستان به چین می‌رسد.
3. ایجاد بی ثباتی منطقه ای در یکی از مناطق مهم اوراسیا که در آن جنوب غرب آسیا و شبه قاره هند تلاقی می‌کنند. این منطقه از ایران و افغانستان تا پاکستان، هند و غرب چین کشیده می‌شود.

در عین حال واشنگتن همچنین خواستار خنثی کردن برنامه هسته ای پاکستان است.

آمریکا همچنین اعلام کرده است که حق ورود به مرزهای ملی کشورهایی را دارد که به تروریستها پناه می‌دهند و نیروهای خود را به

عنوان بخشي از جنگ عليه تروريسم به اين کشورها اعزام مي‌کند. هيلاري کلينتون اين موضع واشنگتن را با اعلام اينکه نيروهاي آمريکايي تروريستها را ترور مي‌کنند، توجيه کرد. اين تنها دريچه اي براي ايجاد بهانه به منظور دخالت نظامي در کشورهايي مانند ايران است و يا سوريه که گروههاي متعدد فلسطيني حاضر در آن از سوي واشنگتن به عنوان سازمان‌هاي تروريستي شناخته مي‌شوند.